

بخش یکم
پیش درآمد

فصل ۱

مقدمه

۱-۱-۱ اهمیت موضوع پژوهش

هگل در میان فیلسوفان غربی، معروف به غیرقابل نفوذترین فیلسوف است؛ او نقاد سرسخت کانت، و تغییر دهنده جریان تاریخ قرن هجده و نوزده از مسیر تاثیر اندیشه اش بر کارل مارکس است.^۱

هگل در شرایط تاریخی پرهیجانی زیست کرد و از تمامی تحولات فکری، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمانه خود تاثیر پذیرفت. تحولاتی که در زمان او روی داد هر یک در نوع خود در حکم تکانه ای عظیم محسوب می شد؛ انقلاب فرانسه، فلسفه نقدی کانت، نهضت رمانتیسم از زمره این حوادث می باشند.

هگل چندین کتاب فشرده و حجیم نوشت که مهمترین آنها عبارتند از: «پدیدار شناسی روح»^۲، «علم منطق»^۳ و «فلسفه حق»^۴. «دائرة المعارف علوم فلسفی»^۵ او نسخه خلاصه ای از سیستم فلسفی او است. بخشی از سایر آثار به صورت درس گفتار^۶ ارائه شدند؛ درس گفتارهای فلسفه تاریخ^۷، درس گفتارهای زیبایی شناسی^۸، درس گفتارهای فلسفه دین^۹ و درس گفتارهای تاریخ فلسفه^{۱۰} (Singer, 2005, p 365).

عوامل چندی موجب دشواری فهم اندیشه هگل می شوند؛ یکی از این عوامل نوع زبانی است که هگل در آثارش به کار می برد؛ علاوه بر، این مطلب دیگری نیز موجب دشواری فهم آثار هگل می شود و آن این است که او در نوشته های متأخر هر جا مطلبی را مطرح می کند کل مابقی فلسفه اش را پیش فرض می گیرد و خودش متذکر می شود که پیدا کردن نقطه آغاز در این آثار کار دشواری است؛ این موارد را

^۱ این تحول عظیم اجتماعی تنها جهت اهمیت هگل نیست، و علاوه بر آن نوشته های هگل در روشن کردن مفاهیم حوزه اندیشه فلسفی، سیاسی و اجتماعی هنوز هم نقش مهمی دارد.

^۲ Phenomenology of Mind

^۳ Science of Logic

^۴ Philosophy of Right

^۵ Encyclopedia of the Philosophical Sciences

^۶ lecture

^۷ Lectures on Philosophy of History

^۸ Lectures on Aesthetics

^۹ Lectures on Philosophy of Religion

^{۱۰} Lectures on Philosophy of History

باید به دشواری فهم زبان آلمانی اضافه کرد و برای خوانندگان و پژوهشگران فارسی زبان، واسطه بودن زبان انگلیسی در ترجمه آثار هگل به فارسی، این دشواری را مضاعف می کند چرا که غالب آثار هگل ابتدا به زبان انگلیسی ترجمه شده و بعد به زبان فارسی برگردانده شده اند؛ بنابراین بطور خلاصه دشواریهای زیر در خصوص آثار هگل برای خواننده فارسی زبان وجود دارد:

۱. زبان اصلی هگل آلمانی است

۲. هگل در میان فیلسوفان آلمانی زبان، معروف به دشوارگویی است

۳. اندیشه متأخر او تا حدودی متضمن دور^۱ است

۴. آثار او عمدتاً با واسطه زبان انگلیسی به فارسی ترجمه می شوند

بنابراین ارائه پژوهشی که بتواند مسیر صعب فهم اندیشه هگل را تا حدودی تسهیل کند امری حائز اهمیت است؛ و مفسرین و تحلیلگران هگل معتقدند نوشته های اولیه هگل می تواند در این مسیر راهگشای فهم اندیشه هگل متأخر باشد چرا که اولاً صعوبت زبان هگل در این آثار کمتر است

ثانیاً دور مذکور در اندیشه متأخر او، در اینجا وجود ندارد

ثالثاً نخستین جوانه های شکل گیری اندیشه دشوار او در اینجا قابل کشف است و این می تواند به فهم اندیشه پیچیده او کمک کند

اما فایده بررسی اندیشه هگل جوان منحصر به تسهیل فهم اندیشه متأخر او نمی شود، و خود حاوی ایده هایی است (مباحث عرفانی و حیات محور او) که به باور برخی از مفسران او (آدامز)، ارزش آنها حتی از اندیشه متأخر او بیشتر است.

۲-۱-۱ پیشینه پژوهش

در زبان فارسی سه اثر عمده در باب اندیشه هگل جوان وجود دارد:

^۱ یعنی وقتی مطلبی را مطرح می کند کل مابقی فلسفه اش را پیش فرض می گیرد

۱. رساله «وجه ایجابی دین مسیحی»^۱؛ این رساله ابتدا توسط گی پلنتی-بونجور^۲ به فرانسه برگردانده شده و بعد این ترجمه توسط آقای باقر پرهام با عنوان «استقرار شریعت در مذهب مسیح» به فارسی ترجمه شده است. ترجمه فارسی شامل دو بخش از سه بخش رساله اصلی است و بخش دوم آن که در ترجمه انگلیسی ناکس در صفحات ۱۴۵ تا ۱۶۶ ارائه شده است در ترجمه فارسی آقای پرهام ارائه نشده است؛ این ترجمه روان و در مقایسه با ترجمه ناکس، نسبتاً دقیق است، برخی تفاوت‌های مشاهده شده در میان این دو ترجمه در پاورقی در ذیل فصل «وجه ایجابی دین مسیحی» در این نوشتار ذکر شده است. این کتاب تنها اثر هگل جوان است که به فارسی ترجمه شده است.

۲. «هگل جوان: پژوهشی در رابطه دیالکتیک و اقتصاد»^۳ اثر گئورگ لوکاج، که اصل اثر ابتدا از آلمانی توسط رودنی لیوینگستون^۴ به انگلیسی ترجمه شده، و بعد این ترجمه توسط آقای محسن حکیمی به فارسی برگردانده شده است.

اثر لوکاج مفصلترین پژوهش در خصوص هگل به زبان فارسی است که به بررسی اندیشه هگل جوان در متن شرایط تاریخی اجتماعی آن پرداخته است، این اثر از زاویه دید اندیشه مارکسیستی و به منظور یافتن آغازه‌های این اندیشه در فلسفه آلمان به رشته تحریر در آمده است و نقطه ضعف عمده آن نیز تعهد جازمانه آن به اندیشه مارکسیستی است که سعی کرده هگل جوان را کاملاً در این راستا تفسیر کند.

۳. «هگل جوان: در تکاپوی دیالکتیک نظری» اثر میلان زنوی که توسط استاد دکتر محمود عبادیان به فارسی ترجمه شده است. این اثر به بررسی چندین موضوع در اندیشه هگل جوان پرداخته، اما به بررسی تفصیلی رساله‌های هگل جوان نمی‌پردازد و خواننده آن اگر با رساله‌های جوانی هگل ناآشنا باشد بطور کامل در فضای این نوشته‌ها قرار نمی‌گیرد.

¹ Positivity of Christian Religion

² Planty-Bonjour, Guy

³ The Young Hegel: Studies in Relation between Dialectics and Economics

⁴ Rodney Livingstone

۳-۱-۱ هدف از این پژوهش

در این پژوهش سه کار عمده انجام شده است؛

۱. بررسی تفصیلی آرای هگل جوان در رساله های دوران جوانی (معروف به نوشته های الاهیاتی

اولیه)

۲. بررسی تفاسیر و تحلیلهای هگل شناسان جوان

۳. ارائه تحلیلی مبتنی بر متن، که ظرفیت تفسیری سازمند از کل آثار هگل جوان در قالب یک کل

یکپارچه را داشته باشد.

هدف از این موارد، معرفی اندیشه های هگل جوان با استناد به متن آثار او، و بازنمایی تفاوت های این اندیشه با تلقی پیشینیان او در خصوص دین بوده است. در باب پیشینه نگرش هگل جوان به دین، با توجه به اینکه او از اندیشه بسیاری از متفکران معاصر و ماقبلش آگاه بوده و کم و بیش از آنها بهره برده است، افراد زیادی را می توان به عنوان صاحب نظرانی که هگل به آرای آنان در خصوص دین توجه داشته، نام برد، اما در این میان کانت نقش بلامنازعی داشته است بگونه ای که همه مفسران بالاتفاق آرای هگل جوان را در نسبت با اندیشه کانت بررسی کرده اند. به همین دلیل در این نوشتار، آرای کانت در خصوص دین، و پیوندهای آن با اندیشه هگل جوان به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و شباهتها و تفاوت های این دو اندیشه با جزئیات، تشریح شده است.

در خصوص سهم سایر متفکرینی که در پیشینه تلقی هگل جوان از دین نقش داشته اند مطالب در ضمن فصول مختلف این نوشتار مطرح شده است.

۴-۱-۱ روش تحقیق

مسئله اصلی در این رساله تبیین نگرش هگل جوان نسبت به دین بوده است، این تبیین متن-محور می باشد یعنی تمامی دیدگاهها در کنار بررسی تفصیلی رساله های هگل جوان ارائه می شود تا پژوهشگر و خواننده این نوشتار توان آن را داشته باشد که در باب صحت و سقم این دیدگاهها بخوبی قضاوت کند.

۱-۱-۵ روش گردآوری اطلاعات:

روش گردآوری اطلاعات استفاده از منابع کتابخانه‌ای، و توصیف و تحلیل دیدگاه هگل جوان در خصوص دین با تکیه بر این منابع بوده است.

۱-۱-۶ تعریف مفاهیم تخصصی:

۱-۱-۶-۱ دین^۱:

دین از نظر هگل به معنای ارتقای حیات کرانمند به حیات بیکران است؛ توضیح این مجمل این است که دین مورد نظر هگل باید همه ابعاد حیات انسانی (عقل، تخیل، حواس، احساسات، اراده و قلب) را در بر بگیرد و هیچیک را دست خالی بازنگرداند؛ هگل نام این دین را دین درونداتی^۲ می‌نامد که در کل حیات ساری و جاری است و فقط معطوف به عقل و امور انتزاعی نیست، دین درونداتی در اعمال انسان ظهور دارد و انسان، آن را در درون خود حاضر می‌یابد و حرارت آن را احساس می‌کند. این دین دارای وجه اجتماعی می‌باشد، و فقط در درون انسانهایی جایگیر می‌شود که استعداد آن را داشته باشند، و به تعبیر هگل این دین مستلزم روح جوان یک قوم است؛ و روح جوان واجد احساس قدرت، سرور، نشاط، آزادی، نوگرایی، وجدان و وظیفه‌شناسی است. در جامعه‌ای که انسانهای آن دارای این ویژگیها باشند دین درونداتی امکان بروز و ظهور می‌یابد؛ چنین دینی از سکون و رکود بیزار است و همواره مشتاق چیزهای نو است و همواره عطش روح را در نیازهایش برآورده می‌کند، این دین مطیع احکام جزمی و لایتغیر عقل نیست و هرگاه عقل چیز جدیدی را دریابد و روح آن را طلب کند، این امر جدید بخشی از دین خواهد شد، بنابراین یکی از ویژگیهای دین هگلی - که در تضاد با ادیان سنتی است - تغییرپذیر بودن آن و خواست مدار بودن آن است که مطابق خواست انسان و جامعه تغییر می‌پذیرد، دین مورد نظر هگل امری پویا است و همواره رو به ارتقا است، و این معنا در تعریف او از دین خود را نشان می‌دهد: دین عبارت است از ارتقای حیات کرانمند به حیات بیکران.

¹ religion

² subjective

دو واژه برونذاتی و درونذاتی یا امر برونذات و امر درونذات که ناظر به واژه های objective و subjective، یا object و subject هستند مطابق متون هگل جوان معادل گزینی شده اند.

واژه object گاهی به «متعلق» ترجمه شده که استعمال غیر فنی این اصطلاح است مانند God is object of faith خدا متعلق ایمان است و معنای غیر قابل نزاعی دارد (چنانکه ناکس - مترجم آثار هگل جوان به انگلیسی - در پاورقی ۸۷ ترجمه روح مسیحیت متذکر این مطلب شده است)؛ اما در موارد استعمال فنی این دو واژه، برای واژه objective حداقل سه معادل قابل طرح است: ۱. برونذاتی ۲. مربوط به متعلق شناسایی (در مقابل آن مربوط به موضوع شناسایی objective است) ۳. خارجی (در مقابل نفسانی که معادل subjective است)

نکته مهمی که در اینجا باید مدنظر باشد این است که فاعل شناسا، مساوی فاعل شناسای کانتی یعنی مدرک امر کلی و انتزاعی نیست، بلکه این فاعل شناسا (که اگر آن را جان شناسا بگوییم رواتر است) مساوی کل هستی انسانی است که یک وجه آن قابلیت شناسایی است، و فاعل شناسای کانتی که صرفاً مدرک کلیات است و احکام آن در دین کانتی معتبر است در این مورد مساوی subject هگلی نیست چرا که چنین سوژه ای امری گسسته از کلیت حیات انسانی است و به همین دلیل در دین هگلی فاقد اعتبار است؛ از سوی دیگر معرفت subjective از نظر کانت معرفتی فردی و فاقد ارزش علمی است چرا که کلیت و ضرورت ندارد^۳ در حالی که معرفت objective به دلیل کلیت و ضرورت داشتن از نظر کانت معرفت معتبر است^۴ در حالی که در نظر هگل، امر subjective امری است که با «کل»یت

^۱ objective

^۲ subjective

^۳ مانند اینکه کسی بر اثر تب احساس گرما می کند در حالی که ممکن است دیگری در آن شرایط آب و هوایی این احساس را نداشته باشد، یا کسی به دلیل بیماری طعم غذایی را بدمزه می داند در حالی که دیگران آن را خوش طعم می دانند.

^۴ مانند علم فیزیک نیوتونی، که از نظر کانت امری معتبر برای همگان است.

انسان در ارتباط است و امری زنده و ارزشمند است و به خلاف آن امر **objective** است که فاقد این پیوند زنده است و لذا غیرانسانی است و در دین هگلی نقشی ندارد.

بنابراین از نظر هگل **objective** به معنای امری متضایف با ادراک، -در ادراک کلیت-، و متعلق شناسایی عقل انتزاعی نیست، و مفهوم کلی (**universal**) از آن جهت که در تقابل با حقیقت «کل»ی و زنده انسان است امری برونذات (**objective**) و نقطه مقابل امور درونذات (**subjective**) هگلی تلقی می شود و در همینجا است که معلوم میشود ترجمه **subject** به فاعل شناسایی و **object** به متعلق شناسایی (به معنای کانتی) در حوزه هگل جوان غالباً صائب نیست زیرا عقل مدرک کلیات در تلقی کانتی، در تلقی هگلی منشأ مفاهیم انتزاعی و عینیت، و در مقابل شخصیت و امر زنده است و تکیه محض بر آن موجب گسیختگی روح است. بنابراین در این نوشتار، **subjective** و **objective** به درونذاتی و برونذاتی ترجمه شده اند اما معنای آنها مطابق توضیحی که در فوق داده شد اولی، امر مربوط به حیات و «کل»یت انسان، و دومی، امر فاقد این ویژگی است، بنابراین اگر بخواهیم معادل مناسبی برای این دو واژه در زبان فارسی ارائه کنیم باید **subjective** را **معطوف به حیات** و «کل»یت ترجمه کنیم و **objective** را **غیرمعطوف به حیات** و «کل»یت بنامیم و اگر نخواهیم این واژه های مرکب را به کار بگیریم می توانیم همان معادل درونذاتی و برونذاتی را با ذکر توضیحات فوق به کار بگیریم که در این نوشتار گزینه اخیر به کار رفته است.

۳-۶-۱-۱ حیات^۱:

حیات از نظر هگل امری است که واجد کلیت است، این کلیت از یکسو ناظر به درون انسان است و شامل قلب، حس، تخیل، احساسات، اراده و حتی عقل (نه به عنوان یک بخش در کنار سایر بخشها، بلکه به عنوان امری که می تواند در همه بخشهای دیگر ساری و جاری باشد) می شود؛ و از سوی دیگر ناظر به اجتماع است و شامل روح آحاد یک جامعه می شود، و ظرف روح آحاد جامعه خود یک روح کلی است که هگل نام آن را **Geist** می نهد.

¹ life یا leben (به زبان آلمانی)

۷-۱-۱ پژوهش فعلی در یک نگاه:

در این نوشتار، پس از بخش پیش در آمد (که شامل مقدمه و زندگی نامه هگل است)، در بخش پیشینه دین از نظر هگل جوان، طرز تلقی کانت از دین بطور مشروح مورد بررسی قرار گرفته است و پیوند و جدایی آن نسبت به تلقی هگل ارائه شده است. در بخش بعدی (بررسی آرای هگل جوان در آیین رساله های جوانی) شش رساله هگل جوان بطور مبسوط مورد بررسی قرار گرفته و آرای هگل جوان مبتنی بر متون خود او ارائه شده است؛ رساله های شش گانه مذکور عبارتند از

۱. دین قومی

۲. زندگانی مسیح

۳. وجه ایجابی دین مسیحی

۴. عشق

۵. روح مسیحیت و سرنوشت آن

۶. بخشی از یک سیستم

علاوه بر اینها برای تکمیل این نوشتار، «قطعات برن» که مشتمل بر یازده قطعه از دستنوشته های هگل در برن است و فاقد انسجام رساله های جوانی است، -ناظر به تفسیر پیتر فوس و جان دابینز (که مترجم این قطعات به انگلیسی نیز می باشند)- در این بخش مورد بررسی قرار گرفته اند.

پس از این بخشها، در بخش تحلیلهای مفسران درباره دین از نظر هگل جوان تفسیر پنج تحلیلگر آثار هگل جوان (لوکاج، کرونر، کافمن، آدامز و هریس) که آثار معتابھی را در این زمینه ارائه کرده اند مورد بررسی قرار گرفته است؛ این تفسیرها توسط نگارنده مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است و در انتهای بخش «بحث و نقد» ارائه شده است.

در نهایت ارزیابی و بحث و نقد در خصوص شش موضوع مهم که در تفسیر آرای هگل جوان نقش مهمی دارند در قالب فصل «بحث و نقد» ارائه شده است، که این شش موضوع به قرار ذیل اند:

۱. جایگاه نوشته های اولیه

۲. هدف هگل از نوشته های اولیه، و تحلیل این نوشته ها بر طبق این هدف

۳. موضع هگل جوان در خصوص مسیحیت

۴. موضع هگل جوان نسبت به فلسفه عملی کانت

۵. ایده وحدت به عنوان ایدئال هگل جوان

۶. چرخش فرانکفورت

و در پایان این بخش، ظهور تدریجی دیالکتیک در آثار هگل جوان ریشه یابی شده است.

برخی تذکرات:

- با توجه به اینکه یکی از اهداف این نوشتار بررسی تفصیلی آرای هگل جوان بوده است، تمامی محتوای نوشته های اولیه مورد بررسی دقیق قرار گرفته و آرای هگل جوان استخراج، و به تفکیک ارائه شده است؛ در ضمن این بررسی اگر هگل به نکته ای بطور خلاصه مورد اشاره کرده است آن نکته حتی المقدور مورد اغماض قرار نگرفته است و در ارائه آرای هگل جوان به آن اشاره شده است، به همین دلیل در مواردی دیده می شود که برخی عناوین مربوط به رساله های هگل جوان، حاوی توضیحات مختصر و یا اشاراتی گذرا است و بررسی تفصیلی در خصوص آنها انجام نشده است، این موارد منعکس کننده اختصار در نوشته خود هگل است و در مواردی که ارتباط مستقیم با عنوان این رساله نداشته است، به همان اختصار بسنده شده (نظیر مبحث نسبت میان «تاریخ، دین و سیاست» که در انتهای رساله «دین قومی¹ و مسیحیت» مطرح شده است و هگل تنها در حد یک پاراگراف به این مطلب اشاره کرده است و از آنجا که حیث تاریخی و سیاست، خود عناوین مستقلی در اندیشه هگل هستند که ورود به آن مباحث، اقتضای پژوهشی مستقل را دارد، در این نوشتار برای اینکه خواننده از این اشاره اجمالی هگل آگاهی داشته باشد و ضمناً وارد بحثی ناتمام نشده باشیم، به اشاره ای اکتفا شده است)؛ اما در مواردی که در رساله های هگل جوان، مبحثی به اشاره و یا با ابهام طرح شده، ولی ارتباط وثیقی با مباحث اساسی هگل داشته است، بحث مفصلی در آن خصوص ارائه شده است، (نظیر بحث «شهود حیات الاهی» که هگل به صورت مستقل و جامع به آن نمی پردازد اما در موارد متعددی از آن به عنوان پیش فرض استفاده می کند، چنین بحثی مورد بررسی بیشتر قرار گرفته است، از آن جمله این که این بحث با همین عنوان در ضمن ارائه تحلیل هریس مورد بحث قرار گرفته است).

- در نقل قولهای مستقیم، هر جا که عبارتی داخل [] باشد افزوده مترجم فارسی یا انگلیسی است، و هر جا که عبارتی داخل [] باشد افزوده نگارنده است.

¹ Volksreligion

- در ذیل رساله های جوانی، نکاتی در پاورقی ذکر شده که به توضیح بیشتر مفاد این رساله ها کمک می کند.

- هگل در رساله های جوانی هیچگاه نام پیامبران -صلوات الله علیهم- را با القاب احترام آمیز ذکر نمی کند، در این نوشتار که بررسی آرای هگل جوان و تحلیل و تفسیر آن است عموماً همین رویه منعکس شده است ؛ در اینجا ضمن اظهار احترام به ساحت مقدس انبیای الهی از اینکه تعبیر هگل را عیناً منعکس کرده، و احترامی که شایسته پیامبران است در عبارات درج نشده ، عذر می طلبم.

فصل ۲

زندگی نامه

زندگی‌نامه^۱ هگل از زوایای مختلف قابل بررسی است و هر زاویه نیز پرتوی خاص را بر زندگی او می‌تاباند که می‌تواند در فهم حیات و اندیشه او سهمی بسزا داشته باشد؛ در اینجا ابتدا سالشمار برخی از حوادث زمان حیات او را تا پایان عمر ذکر می‌کنیم؛ و سپس به بررسی مهمترین دوره های زندگی هگل جوان، یعنی توبینگن، برن و فرانکفورت می‌پردازیم، و در نهایت پس از بیان شرایط تاریخی اجتماعی حیات هگل جوان نگاهی گذرا به آثار هگل متأخر خواهیم داشت.

۱-۲-۲ سالشمار زندگی هگل:

- ۱۷۷۰ در ۲۷ آگوست در اشتوتگارت زاده شد، او پسر ارشد یکی از کارمندان دوک ورتمبرگ بود (پدری که در بخش کاتولیک نشین آلمان شدیداً به مذهب پروتستان باور داشت).
- ۱۷۷۳ تولد خواهرش کریستین، که در سراسر حیاتش پیوند نزدیکی با او داشت.
- ۱۷۷۷ به مجتمع اشتوتگارت وارد شده، و مطالعات کلاسیک را پی می‌گیرد.
- ۱۷۷۹ «ناتان خردمند» اثر لسینگ منتشر شد.
- ۱۷۸۱ مادر هگل به دنبال تب جان می‌دهد.
- کانت «نقد عقل محض» خود را منتشر می‌کند.
- ۱۷۸۵ «بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق» کانت منتشر شد.
- ۱۷۸۸ هگل از مجتمع فارغ التحصیل می‌شود؛ او دانشجوی ممتاز گروه خود شده است.
- وارد دانشگاه الاهیاتی توبینگن می‌شود؛ فلسفه و الاهیات می‌خواند؛ با هولدرلین و سپس شلینگ دوستی نزدیکی پیدا می‌کند.
- «نقد عقل عملی» کانت منتشر شد.
- «دین در محدوده عقل تنها» کانت منتشر شد.

^۱ در تدوین این بخش، عمدتاً از آثار زیر استفاده شده است: مقدمه «سه رساله» با تدوین جان دابینز، و پیترو فوس، «تکامل هگل: به سوی آفتاب» اثر هریس، «تکامل فلسفی هگل» اثر کروئر

- ۱۷۸۹ انقلاب فرانسه همچون انفجاری بوقوع پیوست.
- ۱۷۹۰ کانت، نقد قوه حکم را منتشر کرد.
- نمایشنامه «تاسو»^۱ و قطعه ادبی «فاوست»^۲ از گوته منتشر شدند.
- ۱۷۹۲ «نقدی بر هرگونه انکشاف»^۳، بدون نام مولف منتشر شد که مولف آن فیخته بود.
- ۱۷۹۳ «رساله توبینگن» یا همان «دین قومی»^۴ و مسیحیت توسط هگل جوان نوشته می شود.
- ورود به برن و آغاز تحریر دستنوشته های موسوم به «قطعات برن» که در سال بعد نیز ادامه می یابد.
- ۱۷۹۴ فیخته «بنیان نظریه فراگیر علم»^۵ خود را منتشر کرد.
- ۱۷۹۵ هگل «زندگانی مسیح» و «وجه ایجابی دین مسیحی» را می نویسد.
- «صلح پایدار» کانت، و «در باب من» شلینگ منتشر شد.
- ۱۷۹۶ هگل برن را به مقصد فرانکفورت ترک می کند.
- ۱۷۹۷ انتشار «ایده هایی در باب فلسفه طبیعت» شلینگ، و «هایپریون» هولدرلین.
- هگل رساله «عشق» را آغاز می کند که در سال بعد به پایان می رسد.
- ۱۷۹۸ هگل شروع به نوشتن پیش نویسهایی می کند که با عنوان «روح مسیحیت و سرنوشت آن» شناخته شده است.
- ۱۷۹۹ پدر هگل فوت می کند، میراثی را برای او باقی می گذارد که برای در نظر گرفتن شغلی دانشگاهی کفایت می کند.
- ۱۸۰۰ فیخته «رسالت انسان» را منتشر می کند.

¹ Tasso

² Faust به معنای «مشت گره کرده»

³ Attempt at a Critique of All Revelation، منظور از Revelation در فضای اسلامی وحی است، اما در مسیحیت انکشاف است.

⁴ Volksreligion

⁵ Wissenschaftslehre

- هگل «بخشی از یک سیستم» را می نویسد و «روح مسیحیت و سرنوشت» آن را به پایان می برد.
- ۱۸۰۱ هگل به ینا عزیمت می کند و بلافاصله دوره دانشگاهی را با عنوان مدرس آغاز می کند؛ «تفاوت سیستمهای فیثته و شلینگ» را منتشر می کند.
- ۱۸۰۲ هگل و شلینگ مشترکاً سردبیری «نشریه انتقادی فلسفه» را به عهده می گیرند.
- ۱۸۰۳ هگل «ایمان و معرفت» (نقدی بر کانت، یاکوبی، و فیثته) را منتشر می کند.
- ۱۸۰۴ مرگ کانت
- ۱۸۰۵ اخذ درجه استادی؛ ارائه درس گفتارهای تاریخ فلسفه؛ آغاز تحریر «سیستم علم»
- ۱۸۰۶ در حالی که قوای ناپلئون در حال حرکت به سوی ینا بودند، هگل «پدیدار شناسی روح» را (که بخش اول سیستم فلسفی او است) تکمیل می کند.
- ۱۸۰۷ از همسر صاحبخانه اش، صاحب پسری نامشروع می شود (لودویگ)؛ در بامبورگ سردبیر روزنامه می شود. «پدیدار شناسی» منتشر می شود.
- ۱۸۰۸ در مجتمعی در نورنبرگ، رئیس مجتمع و مدرس فلسفه می شود.
- فیثته «اهداف ملت آلمان» را منتشر می کند.
- ۱۸۱۱ به ماری فون توشر، علاقه مند شده و با او ازدواج می کند.
- ۱۸۱۲ اولین حاصل ازدواجش، یک دختر، در شیرخوارگی می میرد؛ تنها برادر او، لودویگ، در جنگ ناپلئون با روسیه می میرد.
- هگل بخش اول منطقش را منتشر می کند.
- ۱۸۱۳ تولد پسرش کارل
- ۱۸۱۴ تولد پسرش امانوئل
- ۱۸۱۶ انتصاب به سمت استادی در هیدلبرگ
- جلد دوم «منطق» منتشر می شود.

پسری به نام لودویگ در هیدلبرگ به جمع خانواده می پیوندد.	۱۸۱۷
هگل، ویراست اول «دائرة المعارف» را منتشر می کند.	
استادی در برلین را می پذیرد.	۱۸۱۸
«فلسفه حق» منتشر می شود.	۱۸۲۱
آغاز کاری چندین ساله در خصوص درس گفتارهایی درباره فلسفه تاریخ، زیبایی شناسی، فلسفه دین، و تاریخ فلسفه.	۱۸۲۲
ویراست بازنگری شده و بسیار گسترده تر «دائرة المعارف» منتشر می شود.	۱۸۲۷
رئیس منتخب دانشگاه برلین می شود.	۱۸۲۹
فراگیری وبا در برلین؛ لودویگ می میرد؛ خود هگل نیز می میرد.	۱۸۳۱
کریستین خودکشی می کند.	۱۸۳۲
بنابراین هگل ^۱ جوان آثار ذیل را در فاصله زمانی ۱۷۹۳ تا ۱۸۰۰ به رشته تحریر درآورده است.	
۱. دین ^۲ قومی	۱۷۹۳
۲. قطعات برن	۱۷۹۳-۴
۳. زندگانی مسیح	۱۷۹۵
۴. وجه ایجابی دین مسیحی	۱۷۹۵ تا ۱۷۹۹ (چند قطعه
طی این سالها)	
۵. عشق	۱۷۹۷-۸
۶. روح مسیحیت و سرنوشت آن	۱۷۹۸-۱۸۰۰

^۱ آنچه در این نوشتار به هگل نسبت داده می شود منسوب به هگل جوان است و در صورتیکه در جایی مراد هگل کمال یافته (mature) یا هگل متأخر باشد به آن تصریح خواهد شد.

^۲ در این نوشتار به جای تلقی هگل جوان از دین به اختصار عبارت «دین هگلی» را به کار برده ایم که خصوصاً با عنایت به این مطلب که او در صدد تاسیس دینی قومی با ویژگیهای مورد نظر خود است انتساب این دین به خود او نیز خالی از وجه نیست.

این آثار تا حدود ۷۶ سال پس از مرگ هگل هنوز منتشر نشده بودند؛ شناخت این آثار و در واقع شناخت هگل جوان به دنبال تک نگاری دیلتای در سال ۱۹۰۶ با عنوان «سرگذشت جوانی هگل»^۱ آغاز می شود، به دنبال معرفی هگل جوان توسط دیلتای، شاگرد او هرمان نول در سال ۱۹۰۷ اقدام به انتشار این رساله ها می کند؛ تا اینجا هگل جوان هنوز برای کسانی که با زبان آلمانی آشنا نبودند شناخته نشده بود، تا اینکه در سال ۱۹۴۵، ناکس اقدام به ترجمه این رساله ها می کند؛ و در سال ۱۹۷۵ با همکاری کرونر (که بخشی از یک سیستم را ترجمه کرده و مقاله ای با عنوان «تکامل فلسفی هگل»^۲ را به عنوان مقدمه می نویسد) این اثر تجدید چاپ می شود.

سه رساله اول نیز در کتابی با همین عنوان «سه رساله»^۳ ۱۷۹۵-۱۷۹۳ توسط پیتر فوس و جان دابینز به انگلیسی ترجمه و در سال ۱۹۸۴ به چاپ رسیده است.

رساله اول «دین قومی»، توسط هریس نیز با عنوان «رساله توبینگن» ترجمه و به انضمام کتاب او درباره هگل جوان با عنوان «تکامل هگل - حرکت به سوی آفتاب»^۴ ۱۸۰۱-۱۷۷۰ در سال ۱۹۷۲ چاپ شده است.

این رساله (دین قومی) توسط اندی بلوندن^۵ از روی نسخه پیتر فوس و جان دابینز بازنویسی شده و در سایت www.marxist.org با عنوان «در باب چشم اندازهایی برای یک دین قومی»^۶ ارائه شده است.

۳-۲-۱ دوره های مختلف حیات هگل جوان:

۱-۲-۳-۱ دوره اشتوتگارت

هگل در پاسخ به درخواست ارائه زندگینامه علمی خود از سوی دولت وایمار، تلخیصی از آموزشهای خود را بیان می کند:

¹ Hegel's theologische Jugendschriften

² Hegel's philosophical development

³ Three essays 1793-1795

⁴ Hegel's development – toward the sunlight 1770-1801

⁵ Andy Blunden متولد ۱۹۴۵ و اهل استرالیا (ملبورن) است

⁶ On the Prospects for a Folk Religion

او می گوید که پدر و مادر او نسبت به آموزش علوم، هم از طریق آموزشهای خصوصی و هم آموزشهای مدرسه ای عمومی در مجتمع اشتوتگارت اهتمام داشتند؛ در مجتمع مذکور، هم زبانهای باستانی و هم زبانهای جدید به همراه رشته هایی از علوم آموزش داده می شد. این دوران، که نوجوانی هگل را در بر می گیرد حکایت از نبوغی دارد که بعدها به اثبات می رسد، هگل در این دوره چندین مقاله دانش آموزی تدوین می کند که نشاندهنده عمق اندیشه های او است. «در باب دین یونانیان و رومیان»^۱ و «در باب حکم شعور متعارف درباره موضوعیت خارجی و موضوعیت نفسانی ایده ها»^۲ نمونه ای از این مقالات اند.

۲-۳-۲ دوره توبینگن

هگل در طی سالهای ۱۷۸۸ تا ۱۷۹۳ در توبینگن حضور داشت و شاید بیشترین بالندگی را در این دوران داشته است، دورانی که او -در کنار شلینگ و هولدرلین- دورنمایی از کل اندیشه های خود در بازسازی حیات ملت آلمان را مشاهده می کرد.

او در ۲۷ اکتبر ۱۷۸۸ در سن ۱۸ سالگی در دانشگاه الاهیات در توبینگن پذیرفته می شود. هگل می نویسد پس از دو سال مطالعه فلسفه زیر نظر اشنورر^۳، و فلسفه و ریاضیات زیر نظر فلت^۴ و بک^۵، در فلسفه تبحر یافتم (۲۷ سپتامبر ۱۷۹۰)؛ و به مدت سه سال به مطالعه علوم الاهیات زیر نظر لبرت^۶، اوهلند^۷، اشتور^۸ و فلت پرداختم. در آزمون الاهیات در نزد انجمن کاتوزیان اشتوتگارت موفق شدم، و از میان نامزدهای الاهیات در پاییز ۱۷۹۳، من پذیرفته شدم. مهمترین اثر هگل در این دوره، «رساله توبینگن» یا آنگونه که نول (منتشر کننده آثار هگل جوان در سال ۱۹۰۷) نامگذاری می کند «دین قومی و مسیحیت» است.

¹ On the Religion of the Greeks and Romans

² On the Judgment of Common Sense about Objectivity and Subjectivity of Ideas

³ Schnurrer

⁴ Flatt

⁵ Beckh

⁶ Lebret

⁷ Uhland

⁸ Storr